

واکنش انجمن شعر بسیج هنرمندان به یک اتفاق

جایزه انقلاب به هتاکان به انقلاب؟!!

انجمن‌های ادبی کشور در دست دارد در سال‌های اخیر، حرکت‌های ضدفرهنگی و هنجارشکنانه متعددی را رقم زده‌است؟ آیا وقت آن نرسیده‌است که وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی بانگرشی جدید به حوزه شعر و ادب و راهبردهای بنیاد ادبیات داستانی، تجدید نظری جدی و بهنگام در این مورد داشته‌باشد؟ چه کسانی در این بنیاد، خود را متولی شعر و ادب کشور می‌دانند و بر اساس چه ملاک‌ها و معیارها و بر اساس کدام سباق انتخاب شده‌اند؟



تعیین کرده‌اند و در یکی از همین دیدارها فرموده‌اند: «این شعر می‌شود پرچم هودیت و هویت برای یک ملت خیلی مهم است عزیزان من! مملتی که هویت خودش را گم کرده باشد، خیلی راحت در مشت بیگانگان آب می‌شود و از بین می‌رود.» و در بخشی دیگر از سخنانشان فرموده‌اند: «از اول انقلاب، تلاش‌هایی برای جهت‌دادن به شعر در مسیر اهدافی غیر از اهداف انقلاب وجود داشت و این تلاش‌ها همچنان وجود دارد.»

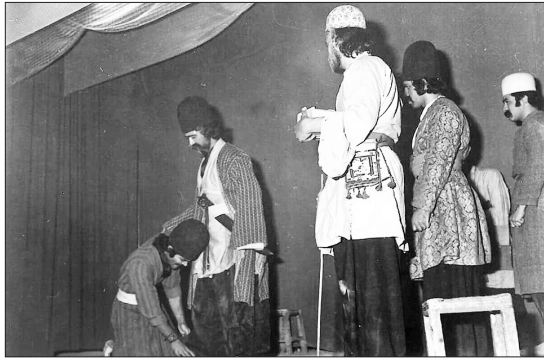
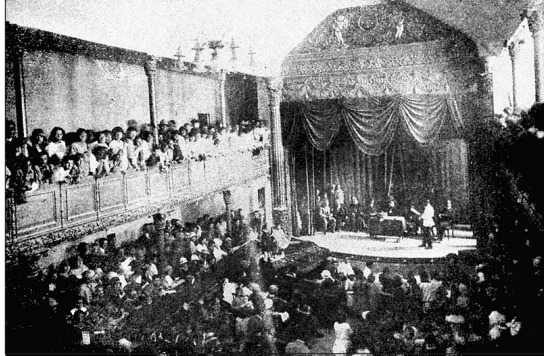
و وطن را می‌شناسند و زمانه او عقیده را چگونه شخصی که قبیح‌ترین توهین‌ها به ائمه معصومین و سردار دل‌ها را از او در این اواخر شاهد بودیم، باید جایزه شعر فجر را از تربیون نظام دریافت کند و به ریش انقلاب بخندد.

مستولان فرهنگی چگونه جواب خون شهدا را خواهید داد؟ آنها از جان شیرین خود گذشتند تا انقلاب زنده بماند و شما اینک چوب حراج زده‌اید به فرهنگ و هنر این انقلاب و این نظام.

به‌راستی این بی‌توجهی و غفلت‌ها از کجا نشئت می‌گیرد و با چه هدف و غرضی دنبال می‌شود جز استحاله فرهنگ و ادب اسلامی و انقلابی، چرا بنیاد ادبیات داستانی که بودجه‌های کلان ادبی کشور را در برگزاری جشنواره‌ها و مسامانه‌های

انجمن شعر بسیج هنرمندان به اتفاق اهدای جایزه در جشنواره شعر فجر به یکی از شاعران هتاک به مقدسات و کنش نشان داد. در بیانیه این انجمن آمده‌است: شعر انقلاب، نبض تندیده و طوفانی ادبیات ایران اسلامی است که با افاق‌هایی روشن و زلال، جان‌های آگاه را سیراب می‌کند. شعری که از آغازین روزهای انقلاب با رویش‌های مبارکی همراه بود. شعری با مردم و برای مردم، آکنده از اشک‌ها و لیخنده‌ها، غم‌ها و شادی‌های شعری مردم‌دار و انقلابی و تربیون شعر فجر همانگونه که از نامش برمی‌آید متعلق به آنهاست که دل در گرو همین انقلاب دارند و دردها و شادی‌های مردم این انقلاب را دردها و شادی‌های خود می‌دانند. شاعرانی از جنس همین مردم و همین انقلاب.

متأسفانه سال‌هاست که این تربیون دیگر صدای مردم و انقلاب نیست و امسال در آغازین روزهای دهه فجر، رقم خوردن اتفاقی تا‌سفبار و خبری رفت‌نگیز از این جشنواره که هر ساله توسط بنیاد ادبیات داستانی برگزار می‌شود هستیم. حضور برخی ناهای و چهره‌ها که فرار است جایزه این جشنواره را از آن خود کنند، دل شاعران را به درد آورده‌است، چرا باید جایزه شعر فجر به افرادی تقدیم شود که انقلاب را در شعرهایشان دوستی به دشمن پیشکش می‌کنند. آنها که نه خاک



اصفهان و ۴۰۰ سال تاریخ نمایش صحنه‌ای

مدرن اصفهان تأثیر گذاشت و باعث شد کلمه «حاجی» و شخصیت آن به‌عنوان یک کاراکتر تئاتر شناخته شود و در اکثر نمایشنامه‌ها به کار رود. پس از آن نهال تئاتر حرف‌های در این شهر می‌رویید که قدمت آن بیش از ۱۰۰ سال دارد تا مقام نخست کشور را به دست آورد و دکتر فرهاد نظارنده کرمانی هم اصفهان را پایتخت تئاتر ایران بدانند زیرا با ترجمه و اقتباس از آثار نویسندگان اروپایی توسط فرنگ‌رفته‌های این شهر در سال‌های قدیمی که البته برای این کار ساخته نشده بودند به نمایش گذاشته می‌شد. آغازگر این هنر و تو مدرن در مرحله اجرا ارمنه محله جلفای این شهر بودند که از زمان صفویه ارمنستان را راه کرده و به این شهر و دیگر نقاط ایران کوچ نموده که از اول فروردین ۱۲۶۷ هجری شمسی برابر با بیست‌ویکم تا بیست‌وهفتم مارس ۱۸۸۸ میلادی نخبه مردانی فرهنگ‌دوست در محله جلفای اصفهان گرد هم آمدند و در سالن مدرسه ارمنه یک اجرای تئاتر اروپایی را روی صحنه بردند و پس از آن باشگاه تئاتر ارمنه تأسیس شد.

آثاری که بعد از اولین اجرا در این باشگاه به نمایش گذاشته می‌شد اکثراً کمدی تاریخی‌های بود که حاصل این تلاش اولین بیانیه پیرامون نخستین سند موجود تئاتر اصفهان است. طی ۲۵ سال اول تئاتر محله جلفای این شهر ۶۴ نمایشنامه در آن به روی صحنه می‌ود که تاریخ این اجراها به سال‌های ۱۸۸۸ تا ۱۹۱۳ میلادی برمی‌گردد. بعد از آن نوبت هسته مرکزی شهر فرامی‌رسد تا خیابان چهارباغ آن صاحب اولین سالن تئاتر گردد و این نمایشنامه رستاخیز اثر میرزاذه شرفی با حضور خودش به روی صحنه برود که بیشتر به یک اجرای ایرانی شباهت تئاتر با سناریوی ایرانی در اصفهان کند. محل اجرای این اجرا در نخستین سالن نمایشی ساحل زاینده‌رود یعنی هتل جهان یا همان گراند هتل اصفهان بود تا گروه‌های حرفه‌ای تازه‌ای با به صحنه بگذارند و سال‌های مدارس کالج، ستاره صبح، سعدی و کوه و راهم را ۱۰ محل بازی با و تماشاخانه جنب تلگراف‌خانه و تئاتر پیروزی را به این هنر نو اختصاص دهند. پس از آن نوبت به اداره معارف آغازین یا همان فرهنگ‌دهه‌های گذشته و امروز آموزش و پرورش می‌رسید تا سالن‌های چند مدرسه از جمله دبیرستان سعدی را به این کار اختصاص داده و در مرحوم محمد میرزا رفیعی که در بین هنرمندان به دایمی جان معروف بود بخوانند تا امور تئاتر در این سالن‌ها مدیریت نماید.

چگونه است که به‌جز دکتر محمدرضا فرهمند پژوهشگر و استاد فرهیخته دانشگاه و فرزند برآمدن شادروان ناصر فرهمند که پدر تئاتر نوین ایران نام گرفته در نگارش نام «اصفهان پایتخت تئاتر ایران» دیگر کسی پیدا نشده تا دیرینه ۴۰۰ ساله هنر و تکنیک نمایش در اصفهان را با وسعتی اینگونه به تحریر در آورد تا همگان بدانند بیش از یک قرن پیش نمایشنامه‌های از زنده توسط اصحاب تازه‌کار این هنر با امکاناتی کاملاً محدود و پیش‌افتاده روی صحنه می‌رفته و ماماها علاقه‌مندان و مشتاقان را از سراسر کشور به‌رم سفر به این دیار می‌کشانده‌است؟! به هر حال آنچه اکنون می‌توان استناد نمود بر اساس مدارک موجود در همین یک قرن اخیر است که به همت دکتر محمدرضا فرهمند از ذخایر میراث مستند پدر به‌دست آمده که قطعاً بی‌بدیل هستند اما قبل از آن که شهر اصفهان و کت سیاهان و اسپهان نامیده می‌شد پایتخت نمایش تماشاخانه‌ای بوده اما چون روایت‌های مکتوب چندانی ندارد نمی‌شود به آنچه حاصل نقل و نقل و دهان‌به‌دهان گذشتگان است استناد نمود که دیگر استان‌های کشور و شاید تاریخ‌نمایش در قاره اروپا نام اصفهان را با تئاتر کمدی و طنز بیشتر بشناسند تا اجرای نمایشنامه‌های جدی که محققان بزرگی چون لئون میناسیان، دکتر پرویز منمون و ناصر کوشان به‌صورت پراکنده به آن اشاراتی داشته‌اند و محمدرضا فرهمند در پایان نامه دکتری خود در این زمینه برهه مطالعات تئاتری که نگذاشته تا حدودی توانسته حق مطلب را ادا نماید که خود فرزند پدر تئاتر همین شهر است و متقن‌ترین مدارک موجود را از آرشیه تماشاخانه اصفهان که مرحوم پدرش یعنی ناصر فرهمند سمت استادی را برای همه طنان از این رشته از جمله شادروانان ارجمند و مؤذن و همچنین تاریخ‌های شفاهی زنده هنر یعنی استادان غلامرضا بیات صادقی را داشته، در اختیار بگیرد که نویسنده این مقاله نیز از خبرنگاران دهه ۴۰ بود تا بارها بتواند به مصاحبه با استاد ناصر فرهمند پرداخته و ارائه نقد و نظر پیرامون نمایشنامه‌های روی صحنه تماشاخانه اصفهان در جراید وقت بنماید.

بنابراین بیش از همه اشراف دارند و آگاهند که اولین نمایش تریزه که در جهان اسلام و مذهب شیعه برگزار گردید در اصفهان و متعلق به دوران صفویه می‌باشد و میدان امام خمینی (ره) با همان نقش جهان یکی از بزرگ‌ترین و منحصر به‌فردترین جایگاه‌های برگزاری تیز به‌خوانی صحنه‌ای در دنیای اسلام بود که چهار گوشه این میدان عظیم روزها اغلب پوشیده از چادر دست‌فروشان و شب‌ها میدان بازیگران، شعیده‌بازان، خیمه‌شب‌بازان، بندبازان، درویشان و قصه‌گویان می‌شد که برخی دیگر از شیوه‌های نمایشی نیز در عهد صفویه به‌ویژه دوران شاه‌عباس در آن رایج و بیشتر در قهوه‌خانه‌ها که محل حضور هنرمندان و شاعران بود برگزار می‌گردید که از جمله می‌توان به نقالی، برده‌خوانی و تقلید یا همان اجرای نمایش انشاره نمود و نقل آن در کتاب «جغرافیای اصفهان» نوشته میرزا حسین‌خان تنویدار در سنه ۱۲۹۴ هجری آمده است که سواى دیگر فرم‌های نمایشی و صحنه‌ای کمدی اصفهان قدیم می‌باشد و معروف‌ترین آنها «روحوضی» یا عنوان «حاج آقا سرماما» بود که مستقیماً بر کمدی

«تفنگ بادی»، درون‌گرا و خجالتی

نشان داده که شاگرد خفلی برای استادش بوده و درش را خوب آموخته. همین جمله‌های کوتاه و بدون پیچیدگی کتاب، خواندن آن را برای نوجوان آسان می‌کند و سرعت خواندنش را افزایش می‌دهد. کتاب داستان نرمی دارد. به همان نرمی که تو را با خواندن تا انتهای کتاب می‌کشاند، قضاوت بعد از تمام کردن کتابت دلبسته‌ی تو می‌رود. محمدی در کتابش حکایت چند پسر نوجوان را روایت می‌کند که مانند هر گروه پسرانه در هر دوره‌ای از تاریخ در حال رقابت و کل‌کل با هم هستند. رقابت بین پسرها برای از بین بردن هوایبهرای عراقی موضوع اصلی داستان است. آقای محمدی خوب از پس داستان برآمده‌اما اگر نویسنده بیشتر به‌حال‌هوای شیراز را که در زمان جنگ می‌پرداخت و برای فضیلتی دانشش از موقعیت شهرش بی‌تفاوت استفاده می‌کرد، داستان می‌توانست به یک فیلم جذاب تبدیل شود. همین کتاب از همان صحنه اول تقدیمی کتاب حس می‌زنیم که شاید این اتفاق‌ها در شهر از یک اتفاق افتاده باشد؛ چرا که اگر همان صفحه تقدیمی اول کتاب را برداریم خواننده متوجه این نمی‌شود که داستان کتاب را برادریم خواننده بیشتر آموخته‌اند. اگر به شما بگویند کتاب کلمی شما را یاد تهران می‌اندازد یاد چه کتابی می‌افتد؟ یا حتی اگر بگوییم با کدام کتاب در شهر شیراز می‌توانستید نفس کشید چه کتابی را به خاطر می‌آورید؟ اگر به این دو سؤال جواب داده باشید معلوم می‌شود نویسنده‌های کتاب‌ها را مدنگار کردن شهربان در ذهن مخاطب خوب عمل کرده‌اند. شاید آقای نویسنده کمی حوصله به‌ختر می‌داد می‌توانست از یک راهم در ذهن مخاطب نوجوانش ماندگار کند. اگر بخوایم در چند جمله تفنگ بادی را توصیف کنیم می‌شود اینکه: کتابی درون‌گرا و خجالتی که هر چند حرف‌های زیادی برای گفتن داشت، ولی نتوانست بر خجالتی بودنش غلبه کند و تمام ویژگی‌های مثبتش را تمام‌قد فریاد بزند.

تمام این سال‌هایی که از جنگ گذشته توانسته‌اند تمام ابعاد و پیامدهای ناشی از جنگ را نشان دهند؟ کتب تفنگ بادی، فراست از اتفاقات و روزهای جنگ در شهر ارکاک بگوید. این را می‌شود از همان صفحه تقدیمی اول کتاب فهمید: «تقدیم به بچه‌های جنگ شهر ارکاک.» همین جمله تقدیمی می‌تواند برای نوجوان کلی نتیجه‌برداشت از بخشی از تاریخ و اتفاقاتی که کشورشان پشت سر گذاشته داشته باشد. تفنگ بادی را محسن محمدی با همکاری انتشارات شهرستان ادب در ۷۲ صفحه به نگارش در آورده‌است. کتاب برای رده سنی نوجوان حجم مناسبی دارد. از ویژگی‌های نثر محمدی سادگی و کوتاهی در جمله‌هاست. اولین درسی که باید یک نویسنده از استاد بزرگ زبان فارسی، سعدی، بیاموزد همین کوتاهی جمله‌هاست. محمدی در این اثر به‌خوبی



از بچگی تا نوجوانی خیال می‌کردم جنگ همیشه پشت خاکریزها بوده و هیچ‌وقت با آدم‌های این طرف خط کاری نداشته‌تصورم از جنگ این بود که سه طرف جنگ باهم کرداد بسته‌اند فقط در یک محدوده که از قبل مشخص کرده‌اند با هم بجنگند. بیشتر این تصور هم برمی‌گشت به فیلم‌های جنگی که آن زمان از تلویزیون پخش می‌شد. همه این فیلم‌ها در حال عملیات و جنگ بودند. هیچ‌کس از روزهای اول جنگ بر ایمان چیزی نگفت و اصلاً بر ایمان نگفتند که چطور شد که جنگ شد. من از فیلم‌ها برداشتم این بود که نیروهای دو کشور شال و کلاه کردند و یک جایی خیلی دور در حال جنگیدن با هم هستند. یا حتی یک وقت‌هایی مامان وسط خاطره تعریف کردند: گفت: «همان سالی که شیراز را بمباران کردند. بچه که بودم اولین سؤالی که داشتم این بود که جنگ تا شیراز هم آمد؟ دروغ چرا؟» در عوالم بچگی خیال می‌کردم مادرم توهم جنگ را زده و گرنه شیراز از چه به جنگ و بمباران. در همین دلیل برای من جنگ پشت همان خاکریزها بود و هیچ تصویری از آدم‌هایی که درگیر جنگ بودند نداشتم تا اینکه کتاب «ا» را خواندم. از آنجا بود که فهمیدم جنگ و جغرافیا و آدم‌هایی که درگیر جنگ بودند خیلی گسترده‌تر از آن چیزی است که فکر می‌کردم. نمی‌دانم نوجوانان امروزی درباره جنگی که پشت سر گذاشتیم چه تصویری دارند و ممکن است چه برداشته‌های اشتباهی مثل من از جنگ داشته باشند. آیا مثل من خیال می‌کنند جنگ فقط پشت خاکریزها بوده یا حتی فکر می‌کنند فقط مردم خوزستان و جنوب کشور درگیر جنگ بودند. تولیدکنندگان آثار دفاع مقدس چقدر در روشن‌سازی سؤالات ذهنی احتمالی نسل جدید موفق بوده‌اند؟ آیا در



آگهی مناقصه عمومی مرحله دوم

شهرداری بندر ماهشهر به استناد مجوز شماره ۲۴۴/ش مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ شورای اسلامی شهر در نظر دارد پروژه احداث، حفظ و نگهداری فضای سبز اطراف کریدرهای نفتی از بل معلم الی بل دانشگاه امیر کبیر را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

- اسناد مناقصه از مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ در مقابل پرداخت مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به حساب سبیا ۰۱۰۵۲۹۳۴۸۲۰۰ نزد بانک ملی شعبه شهرداری تسلیم و پاکت‌ها در مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۳ در شهرداری تحویل می‌گردد. بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۴ می‌باشد.
- مبلغ برآورد اولیه ۲,۱۹۹,۸۶۷,۷۶۶ ریال می‌باشد که پیشنهاد دهنده باید ۵٪ قیمت پایه معادل ۱۰۹,۹۹۳,۳۸۹ ریال را بعنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سبیا شماره ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ نزد بانک ملی ایران به نام شهرداری بندر ماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.
- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
- ارائه گواهی تأیید صلاحیت اداره کار و امور اجتماعی الزامی است.
- ارائه گواهی تأیید صلاحیت ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی الزامی است.
- هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- شرکت کنندگان باید دارای کد اقتصادی دوازده رقمی (TIN) باشند.
- مقتضای می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۱۶-۰۶۱۵۲۳۳۹۱۱۴ تماس و یا به آدرس www.mahshahr.ir حاصل نمایند.

امور قراردادهای شهرداری بندر ماهشهر



آگهی مناقصه عمومی مرحله اول

شهرداری بندر ماهشهر به استناد مجوز شماره ۲۴۸/ش مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ شورای اسلامی شهر در نظر دارد خرید مصالح سنگی زیرسازی شهر بندر ماهشهر را به فروشندهگان واجد شرایط واگذار نماید.

- اسناد مناقصه از مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ در مقابل پرداخت مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد) به حساب سبیا ۰۱۰۵۲۹۳۴۸۲۰۰۰ نزد بانک ملی شعبه شهرداری تسلیم و پاکت در مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۳ با واحد امور قراردادهای شهرداری تحویل می‌گردد.
- بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۴ می‌باشد.
- مبلغ اولیه کار ۱,۱۹۹,۰۶۶ ریال می‌باشد که پیشنهاد دهنده باید ۵٪ قیمت پایه (۱,۷۴۰,۰۵۵,۹۵۴ ریال) را به عنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سبیا شماره ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ نزد بانک ملی ایران به نام شهرداری بندر ماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.
- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
- هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- شرکت کنندگان باید دارای کد اقتصادی دوازده رقمی (TIN) باشند.
- مقتضای می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن ۱۶-۰۶۱۵۲۳۳۹۱۱۴ تماس و یا به آدرس www.mahshahr.ir حاصل نمایند.

امور قراردادهای شهرداری بندر ماهشهر



آگهی ابلاغ قانونی رأی

مدت: ۳۷۶

بدینوسیله به آقای محمود شاه محمدی به شماره استخدام ۲۳۴۹۶۷ فرزند حسینقلی به شماره شناسنامه ۳۵۰ صادره از تهران که مجهول‌ال‌مکان می‌باشد بنابر تجویز قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس محترم شورای اسلامی رأی قابل تجدیدنظر شماره ۱۱۰/۴۶۹۳/۱۱۰ هـ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ صادره هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری بانک سپه دائر بر انفصال موقت از خدمت به مدت شش ماه ابلاغ می‌گردد.

این آگهی در یک نوبت در روزنامه منتشر می‌شود، نامبرده می‌تواند در صورت اعتراض حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ نشر این آگهی درخواست تجدیدنظر خود را به اداره کل منابع انسانی بانک سپه واقع در ادارات مرکزی بانک سپه - تهران - بالاتر از ژنرالین بلوار آفریقا - خیابان شهید دادمان جنب ساختمان وزارت راه و شهرسازی - ساختمان نکین بانک سپه - ساختمان نکین انسانی تسلیم نماید، در غیر اینصورت به استناد تبصره ۱ ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری رأی مذکور از تاریخ انقضاء مهلت یاد شده لازم‌الاجرا خواهد بود.

بانک سپه - اداره کل منابع انسانی